



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Investigating the Legitimacy of Cosmetic Surgery from the Point of View of Jurisprudence and Law

Neda Pourjam¹, Seyed Mohammad Reza Ayati^{1*}, Asghar Arabian¹

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Law and Political Sciences, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Cosmetic surgery as a method of correcting and improving the appearance of the face and body is one of the new achievements of medical science, which is developing every day with new methods and forms due to the advancement of technology and human knowledge. and on the other hand, due to the sense of the beauty of friendship and human perfectionism and in line with the change and evolution of the material and spiritual needs of man in adapting to the requirements of the time, it has met with great success. This is while the proliferation and diversity of new achievements in the field of cosmetic surgery, considering the specific features of some types and the different goals of applicants, have led to numerous challenges and legal ambiguities that require the presentation of legitimate foundations, the scope of authorization and its specific provisions.

Method: This article is written in a descriptive-analytical way, in a library format, with the tool of scanning books, articles, laws and analytical review of findings.

Ethical Considerations: Scientific honesty and trustworthiness have been observed in all parts of the present research.

Results: Who are the reference for this research, it has been determined that the legitimacy of cosmetic surgery is a controversial issue, with some considering it forbidden (haram), some permissible (mubah) and others holding detailed opinions. There is no specific legal prohibition in the relevant laws and only articles 158 and 495 to 497 of the Islamic Penal Code generally refer to the limits of the criminal responsibility of the doctor, which means that if the surgery is legitimate and the technical, scientific standards and government systems are met, it means It is permissible to do it.

Conclusion: By examining the jurisprudential evidence and legal foundations, it is concluded that by adopting the ownership approach, accepting the theory of conditional human authority and control, it will be possible to respond to the requirements of new medical advancements and emerging issues in the field of jurisprudence and law. Based on this, two criteria for the legitimacy of cosmetic surgery have been presented: first, that the performed procedure has a rational function; second, that the actions taken do not cause harm or damage.

Keywords: Cosmetic Surgery; Legitimacy; Ownership; Dominion; Jurisprudence and Subject Rights

Corresponding Author: Seyed Mohammad Reza Ayati; **Email:** Mr.ayati@srbiau.ac.ir

Received: August 03, 2024; **Accepted:** December 10, 2024; **Published Online:** November 21, 2025

Please cite this article as:

Pourjam N, Ayati SMR, Arabian A. Investigating the Legitimacy of Cosmetic Surgery from the Point of View of Jurisprudence and Law. Medical Law Journal. 2025; 19: e44.



بررسی مشروعیت جراحی زیبایی از منظر فقه و حقوق موضوعه

ندا پورجم^۱، سیدمحمد رضا آیتی^{۱*}، اصغر عربیان^۱

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: جراحی زیبایی به عنوان یک روش اصلاح و بهبود ظاهر چهره و بدن، یکی از دستاوردهای جدید علم پزشکی است که از یکسو به دلیل پیشرفت تکنولوژی و دانش بشری و از سوی دیگر به دلیل حس زیبایی دوستی و کمال طلبی و همسو با تغییر و تحول نیازهای مادی و معنوی انسان در تطبیق با مقتضیات زمان، با اقبال زیادی مواجه شده است. این در حالی است که تکرر و تنوع دامنه دستاوردهای جدید پزشکی در حوزه جراحی زیبایی با توجه به ویژگی‌های خاص برخی از انواع آن و اهداف متفاوت متقاضیان، منجر به بروز چالش‌ها و ابهامات فقهی حقوقی بسیاری شده است که نیازمند طرح مبانی مشروعیت، قلمرو جواز و احکام خاص آن است.

روش: این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی، به صورت کتابخانه‌ای و با ابزار فیشبرداری کتب، مقالات، قوانین و بررسی تحلیلی یافته‌ها نگارش یافته است.

ملاحظات اخلاقی: صداقت و امانتداری علمی در تمام قسمت‌های پژوهش حاضر رعایت شده است.

یافته‌ها: از تتبع در آرا و نظرات فقیهان امامیه و حقوق موضوعه که مرجع این تحقیق است، مشخص گردید که مشروعیت جراحی زیبایی امری اختلافی است که برخی آن را حرام و برخی مباح دانسته و عده‌ای هم، قائل به تفصیل شده‌اند. در قوانین موضوعه نیز منع قانونی به طور خاص وجود نداشته و فقط در مواد ۱۵۸ و ۴۹۵ الی ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی به صورت عام به حدود مسئولیت کیفری پزشک اشاره شده است که در صورت مشروع بودن عمل جراحی و رعایت موازین فنی، علمی و نظامات دولتی، دلالت بر جواز انجام آن دارد.

نتیجه‌گیری: با بررسی ادله فقهی و مبانی حقوقی، این نتیجه برداشت می‌گردد که با اتخاذ رویکرد مالکیت اعتباری و پذیرش نظریه سلطه و تصرف انسان به صورت مشروط، امکان پاسخگویی به اقتضات نوین پزشکی و مسائل مستحدثه در حوزه فقه و حقوق میسر خواهد شد. بر این اساس، دو معیار برای مشروعیت جراحی زیبایی ارائه شده است: اول اینکه عمل انجام‌شده دارای کارکرد عقلایی باشد؛ معیار دوم، اقدامات انجام‌شده واجد زیان و ضرر نباشد.

واژگان کلیدی: جراحی زیبایی؛ مشروعیت؛ مالکیت؛ سلطه؛ فقه و حقوق موضوعه

نویسنده مسئول: سیدمحمد رضا آیتی؛ پست الکترونیک: Mr.ayati@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Pourjam N, Ayati SMR, Arabian A. Investigating the Legitimacy of Cosmetic Surgery from the Point of View of Jurisprudence and Law. Medical Law Journal. 2025; 19: e44.

مقدمه

جراحی زیبایی به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های دانش پزشکی، در سال‌های اخیر با پیشرفت فناوری و پیشرفت‌های روزافزون تکنولوژی، با اقبال و توجه بسیاری رو به رو شده و به یکی از محبوب‌ترین روش‌های بهبود ظاهر چهره و بدن انسان، تبدیل شده است. این اقبال که برخاسته از حس زیبایی جویی و کمال‌طلبی انسان است. علاوه بر بهبود ظاهر، می‌تواند منجر به اعتماد به نفس بیشتر در افراد شود. این در حالی است که تکرر و تنوع دامنه دستاوردهای جدید پزشکی در حوزه جراحی زیبایی با توجه به ویژگی‌های خاص برخی از انواع آن و اهداف متفاوت متقاضیان، منجر به بروز چالش‌ها و ابهامات فقهی حقوقی بسیاری شده است که نیازمند طرح مبانی مشروعیت، قلمرو جواز و احکام خاص آن است. از این رو بررسی دقیق و جامع ابعاد فقهی حقوقی آن بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

اگرچه در منابع پزشکی و تاریخی، پیشینه جراحی زیبایی به قرون اولیه بازمی‌گردد، اما از منظر فقهی و در حقوق موضوعه از مسائل مستحدثه محسوب شده و نه تنها در کتب و منابع متقدم، حکمی نسبت به مشروعیت یا عدم مشروعیت آن وجود ندارد که حتی برخی از فقیهان متأخر نیز نسبت به این موضوع اظهار نظری نکرده‌اند. مانند آیت‌الله خویی که در صراط النجاه می‌گوید: نمی‌دانم منظور از عمل زیبایی چیست، ولی اگر مقصود زیبایی ظاهری و حسن منظر است، اشکالی ندارد. از بررسی و مذاقه در آرای فقیهان مشخص گردید که برخی هرگونه دخل و تصرف در ظاهر چهره و خلقت خداوندی را نقض باورهای دینی و اخلاقی تلقی نموده و حرام دانسته و برخی دیگر قائل به تفصیل شده‌اند. از منظر حقوقی در قوانین بسیاری از کشورها، جراحی زیبایی به عنوان یک روش معتبر تلقی شده و هر فرد حق دارد که به دلخواه، ظاهر خود را تغییر دهد، البته در برخی موارد نیز قوانین به اعمال محدودیت‌هایی اقدام نموده است. در قوانین داخلی نیز منع قانونی به طور خاص وجود ندارد و فقط در قوانین کیفری مواد ۱۵۸ و ۴۹۵ الی ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی به صورت عام به

حدود مسئولیت کیفری پزشک اشاره داشته است که در صورت مشروع بودن عمل جراحی، دلالت بر جواز انجام آن دارد. این‌گونه به نظر می‌رسد قانونگذار ایرانی به‌رغم ارتقای نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت پزشک در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، نسبت به برخی از موارد این مسئولیت کم توجهی نموده و عملاً برخی قواعد حقوقی در مرزهای عام مسئولیت پزشکی مهجور مانده است.

نگارنده در این مقاله با تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های فقیهان و علمای حقوق به بررسی ابعاد فقهی و حقوقی جراحی زیبایی پرداخته است. اساسی‌ترین پرسش این تحقیق، بحث از اصل و محدوده جواز شرعی و ضابطه قانونی این نوع جراحی است. فرضیه این تحقیق براین اساس شکل گرفته است که با توجه به اباحه زیبایی و میل به کمال‌طلبی در نزد فقیهان امامیه و در صورت منفعت و ضرورت عقلایی، اقدام به این قسم جراحی در تمام مصادیق خود امری مشروع و قانونی می‌باشد. با توجه به آنچه گفته شد، نوشتار حاضر در دو بخش تدوین شده است: نخست در بخش اول، مفاهیم پایه‌ای همچون «جراحی زیبایی»، «مشروعیت» و «سلطه و مالکیت» تشریح می‌گردد؛ در بخش دوم، ابتدا ادله قائلین به جواز و عدم جواز جراحی زیبایی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت و در پایان، ضمن بررسی حقوق و مسئولیت‌های افراد در تصمیم‌گیری در مورد بدن خود و تضادهای احتمالی بین مالکیت و سلطه به تبیین جایگاه قانونی جراحی زیبایی در قوانین موضوعه پرداخته شده است.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

از تتبع در آرا و نظرات فقیهان امامیه و حقوق موضوعه که مرجع این تحقیق است، مشخص گردید که مشروعیت جراحی زیبایی امری اختلافی است که برخی آن را حرام و برخی مباح دانسته و عده‌ای همچون امام خمینی قائل به تفصیل شده‌اند. در قوانین موضوعه نیز منع قانونی به طور خاص وجود نداشته و فقط در مواد ۱۵۸ و ۴۹۵ الی ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی به صورت عام به حدود مسئولیت کیفری پزشک اشاره شده است که در صورت مشروع بودن عمل جراحی و رعایت موازین فنی، علمی و نظامات دولتی، دلالت بر جواز انجام آن دارد. از نظر نویسندگان این مقاله با اتخاذ رویکرد مالکیت اعتباری بر اعضای بدن و پذیرش نظریه سلطه و تصرف انسان به صورت مشروط، امکان پاسخگویی به اقتضائات نوین پزشکی و مسائل مستحدثه در حوزه فقه و حقوق، میسر خواهد شد.

بحث

۱. مفاهیم: تبیین و تشریح مفاهیم یک پژوهش به عنوان ابزار اصلی در مفهوم شناسی کاربردی، اگرچه ممکن است در بادی امر، فاقد اهمیت جلوه کند، اما از آنجایی که درک درست مفاهیم و متغیرهای اصلی یک پژوهش امکان ورود به مباحث اصلی را تسهیل بخشیده و موجب تسریع در تحلیل و بررسی اصل موضوع می‌گردد، مورد توجه نگارنده واقع شده است.

۱-۱. جراحی زیبایی (Cosmetic surgery): جراحی زیبایی یکی از شاخه‌های جراحی پلاستیک (Plastic Surgery) است که بیشتر برای بهبود خصوصیات ژنتیکی، تغییرات ناشی از افزایش سن و با هدف ارتقای چهره یا سایر اندام‌های بدن انجام می‌شود. جراحی زیبایی به دو روش تهاجمی و غیر تهاجمی انجام می‌شود (۱)، اگرچه برخی ملاک صدق عنوان جراحی زیبایی را سالم‌بودن عضو مربوطه می‌دانند، اما این معیار محل مناقشه است، زیرا به جرأت می‌توان گفت که غالب جراحی‌های زیبایی صرفاً به دلیل عدم رضایت فرد از چهره یا اندام خود می‌باشد نه معیوب‌بودن عضو مربوطه.

۲-۱. مشروعیت (Legitimacy): مشروعیت از ماده شرع در اصل، مصدر و به معنی راه آشکار است و به آن شرع (بفتح و کسر اول) و شریعت گفته شده است (۲). مشروعیت در زبان انگلیسی هم ریشه با کلمات Legislation, Legacy و Legal (میراث، قانونی و تقنین) آمده است که به مفهوم قانونی یا حقانیت است. در فرهنگ اسلامی، کلمه مشروعیت، برای توصیف اموری است که شارع آن‌ها را وضع نموده باشد. در ترمینولوژی حقوقی در مقابل عبارت مشروع این تعریف آورده شده است: عملی که مطابق قوانین شرع اسلام باشد (۳).

۳-۱. مالکیت (Property): مالکیت از ریشه «ملک» به معنای دارا بودن، در اختیار داشتن، در سیطره‌داشتن و توانایی تصرف در چیزی است (۴). در اصطلاح فقهی درباره حقیقت مالکیت چنین آمده است: «مالکیت فقط یک اعتبار عقلایی است. عقلاً چیزی را که در دست کسی قرار دارد، علقه‌ای بین او و چیزی که در اختیار دارد، اعتبار می‌کنند که این رابطه منشأ تسلط وی بر آن چیز می‌شود» (۵). در منابع حقوقی، «مالکیت عبارت است از حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز به هر صورت، مگر آنکه قانون استثنا کرده باشد» (۲). این در حالی است که در حقوق انگلیس و برخی کشورها، مفهوم مالکیت شناخته نشده بود و به جای آن از اصطلاح «حق تصرف» استفاده می‌شد، همچنانکه تا پیش از قرن نوزدهم برای بیان معنای «مال» از واژه «Property» استفاده نمی‌شد و به جای آن واژه «متصرفات» و یا مترادف‌های آن به کار می‌رفت (۶). در مفاهیم حقوقی معاصر، مالکیت به «اختیار تام در استفاده یا واگذاری موضوع حق مالکیت بر حسب اجازه قانون» تعریف شده است، به نحوی که «حق بهره‌برداری و تمتع، حق اتلاف و واگذاری را جزء اختیارات و حقوق مالک می‌دانند» (۷).

۴-۱. تسلیط: تسلیط در لغت به معنای چیره‌گردانیدن کسی بر دیگری و مسلط‌کردن همراه با قهر و غلبه است (۸) و در اصطلاح فقهی به معنای تسلط و اختیار مالک برای هرگونه تصرف در اموال خویش است (۹). برخی از فقها در خصوص ماهیت رابطه انسان با اعضا و اجزای بدن، رابطه سلطنت انسان

حاصل از برداشت‌های متفاوت ایشان از متون شرعی است. در این قسمت به ادله ناظر به مشروعیت جراحی زیبایی و عدم مشروعیت پرداخته و مورد تحلیل قرار گرفته است.

۲-۱-۱. ادله عدم مشروعیت جراحی‌های زیبایی

۲-۱-۱-۱. قرآن: اولین مستند قائلین به عدم مشروعیت جراحی زیبایی، آیات ۱۱۹ سوره نساء و ۱۳۸ سوره بقره می‌باشد که بحث از حرمت تغییر در خلقت خداوندی و تغییر رنگ الهی است. وجه استدلال ایشان به این نحو است که چون جراحی زیبایی: اولاً نوعی تغییر فیزیکی و خلاف نگارگری اولیه انسان است؛ ثانیاً به جهت ضرورت و درمان نمی‌باشد، بنابراین از مصادیق تغییر در خلقت و نتیجه آن تبعیت از هوای نفس و فریب شیطان است.

به استدلال فوق از دو جهت پاسخ داده شده است:

وجه اول: با توجه به مفهوم و تفسیر آیات مورد نظر باید گفت که آیات فوق، ناظر به ممنوعیت هر نوع تغییر و تبدیلی است که صرفاً با هدف بدعت‌گذاری در دین و شریعت باشد، بنابراین تغییر در خلقت خداوند به صورت کلی مذموم نمی‌باشد، زیرا برخی از امور هستند که از مصادیق تغییر در خلقت هستند، ولی توسط شارع نیز تأیید شده‌اند، مثل بریدن بند ناف، ختنه پسران و چیدن ناخن، لذا مقصود آیه از تغییر در خلقت، نوع خاصی از تغییر است و اگر صرفاً به ظاهر آیه اکتفا شود در این صورت تمامی تغییراتی، همچون درمان نازایی زنان و مشکلات باروری مردان، جداکردن دوقلوهای به هم چسبیده که توسط انسان در گذر زمان و با پیشرفت دانش حاصل شده از مصادیق حرام می‌باشد و تعداد این موارد به قدری زیاد است که اگر قائل به اختصاص این موارد شویم، تخصیص اکثر می‌شود و قبیح.

وجه دوم: بر اساس روایات معتبری که از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) وارد شده است (۱۱). منظور از عبارت «خلق الله»، در آیه ۳۰ سوره روم «لاتبدیل لخلق الله» فطرت می‌باشد (۱۲)، لذا بر اساس ملاکی که از آیات فوق به دست می‌آید، حرمت تغییر در صورتی است که از طریق خلق جدید، ضدیت

بر نفس خویش را مطرح کرده‌اند (۱۰). ایشان ضمن بحث در کتاب البیع، تفاوت‌های حق، ملک و سلطنت تصریح می‌کند که سلطه انسان بر نفسش امری عقلایی است و همان‌گونه که انسان بر اموال خود سلطه دارد، بر نفس خویش نیز مسلط است و چنین سلطه‌ای برای انسان، حق هرگونه تصرفی به شرط عدم منع قانونی یا شرعی را ایجاد می‌کند.

۲. طرح بحث: ارتباط انسان با اعضای بدن خود و نحوه تصرف و انجام تغییرات در چهره و بدن از مباحثی است که در تبیین و تحلیل مسائل مستحدثه همچون مشروعیت جراحی زیبایی، مورد بررسی و مذاقه واقع می‌شود. بدیهی است که تعیین نوع این رابطه با استناد به منابع فقهی می‌تواند راهگشای ابهامات و چالش‌های فقهی حقوقی جراحی زیبایی باشد. یکی از قواعد مهم فقهی که در این مسأله مورد استناد واقع شده است؛ قاعده سلطنت است که به موجب آن، انسان نسبت به مایملک خود سلطنت داشته، در نتیجه حق هرگونه تصرفی دارد. در اینکه این تسلط به معنای مالکیت به این مفهوم که انسان در اثر تلاش آن را به دست آورده باشد یا به معنای داشتن حق تصرف است، میان فقیهان و نیز حقوقدانان اختلاف وجود دارد. همچنین در این که قانونگذار در اصل اول که همان تسلط انسان بر شئون خویش است، می‌تواند تحدید کند و میزان این تحدید چقدر است، محل بحث این تحقیق است، لذا در دو بخش به بررسی و تحلیل دلایل مشروعیت و عدم مشروعیت جراحی زیبایی پرداخته شده و سپس به بازخورد این دلایل در قوانین و حقوق موضوعه اشاره گردیده است.

۲-۱. بررسی حکم فقهی جراحی زیبایی: رواج روزافزون

جراحی‌های زیبایی در عصر حاضر و نقد و نظراتی که پیرامون ضرورت، آثار و کاربرد این نوع جراحی مطرح گردیده است، موجب تردید در صحت شرعی و قانونی جراحی زیبایی شده است. بررسی و مطالعه در نظریات و پاسخ‌های مطرح‌شده حاکی از تقسیم نظریه فقیهان به دو دسته کلی موافق و مخالف است، اگرچه که مستند دلائل ابرازی، قرآن و دیگر منابع فقهی است، اما به نظر می‌رسد عمده اختلاف موجود،

با آفرینش الهی صورت گیرد در غیر این صورت ملاکی بر حرمت عمل مذکور وجود ندارد (۱۳).

۲-۱-۱-۲. روایات: یکی دیگر از ادله عدم مشروعیت جراحی زیبایی، استناد به روایات متعددی است که غالب آن‌ها ضعف سندی داشته و یا حتی بر فرض پذیرش آن، اطلاق لفظی روایت، دلالت بر جواز اصل تزئین و زیبایی دارد که از باب نمونه به یک مورد اشاره می‌شود: علی بن غراب از امام صادق (ع) روایت می‌کند که پیامبر هشت گروه (نامصه، منتصمه، واشره، موتشره، واصله، مستوصله، واشمه و مستوشمه) را لعنت فرموده است (۱۴)، این حدیث که در متن آن برخی از مصادیق تزئین را احصا نموده است، دلیل دوری از رحمت خداوند را مستند به تغییر در خلقت و طلب زیبایی دانسته است و از آنجایی که جراحی زیبایی شامل هر دو معناست، مشمول نهی قائلین به عدم مشروعیت جراحی زیبایی قرار گرفته است. در مقام پاسخ، گذشته از ضعف سندی این روایت و عدم توثیق راوی (۱۶-۱۵)، در معانی اصطلاحات این روایت، اختلاف وجود دارد، بنابراین نمی‌تواند مستندی برای حکم به حرمت جراحی زیبایی باشد. چند نمونه دیگر از احادیث استنادی، عبارت است از: روایت محمد بن مسلم (۱۷)، روایت ابن عمیر (۱۷) و روایت قاسم بن محمد (۱۴).

۲-۱-۱-۳. قاعده لاضرر: برخی از فقیهان با توجه به نتایج برخی از جراحی‌های زیبایی که منجر به اضرار نفس شده و بعضاً موجب لطمه به سلامت جسمی یا روحی فرد می‌شود؛ مستند به حکم عقل مبنی بر لزوم اجتناب از ضرر و وجوب دفع آن از نفس، قائل به ممنوعیت این قبیل جراحی‌ها شده‌اند. در پاسخ به این استدلال باید گفت: اولاً تحقق ماهیت ضرر منوط به عدم منفعت عقلایی در تحمل ضرر است، بنابراین اگر اقدامات زیبایی مشروط به یک هدف عقلایی باشد از نظر علما از مصادیق ضرر و زیان نبوده و شامل مصادیق حرمت اضرار به نفس نمی‌باشد؛ ثانیاً مرجع تشخیص‌دهنده ضرر می‌بایست اهل خبره باشد تا عقلانی‌بودن غرض اقدام به جراحی زیبایی را تشخیص دهد.

۲-۱-۱-۴. ارتکاب ملازمات حرام: دلیل دیگر قائلین به عدم مشروعیت جراحی زیبایی، ملازم‌بودن این‌گونه اعمال با برخی امور حرام، همچون در پی داشتن نظر و لمس حرام و تدلیس است. در خصوص ملازمت جراحی زیبایی با نظر و لمس حرام، اگرچه تقریباً تمام فقیهان شیعه معاصر، حکم به عدم جواز داده‌اند (۱۸-۱۹)، اما در مواردی نیز به دلایلی همچون اغراض درمانی، ترمیم عضو آسیب‌دیده، مهارت و تخصص بیشتر پزشک غیرهمجنس، قائل به جواز جراحی زیبایی شده‌اند.

برخی از فقیهان امامیه با استناد به روایاتی که انجام برخی امور زیبایی همچون ایجاد نقش و نگار، وصل کردن موی زنان دیگر به موی سر را از مصادیق تدلیس دانسته (۱۴) و فتوا داده‌اند که: چنانچه یکی از زوجین در ازدواج به قصد فریب طرف مقابل و بدون اطلاع او برای پوشاندن عیب ظاهری‌اش دست به عمل جراحی زیبایی بزند، تدلیس حاصل می‌شود. این در حالی است که برخی از فقیهان با تفکیک بین زیباسازی‌های دائمی و غیر دائمی (۲۰)، فقط زیباسازی غیر دائمی را از موجبات تدلیس دانسته‌اند (۲۱).

۲-۱-۲. ادله مشروعیت جراحی زیبایی: آرا و فتاوی اکثر فقیهان امامیه، دلالت بر جواز جراحی زیبایی به خودی خود و صرف نظر از عناوین دیگر دارد و این در حالی است که برخی از فقیهان گلیپگانی (۲۲-۲۳)، در صورتی که جراحی زیبایی برای تأمین اغراض عقلایی باشد را جایز اعلام نموده‌اند، یعنی مشروط به حصول شرایط و رعایت معیاری است که با استناد به منابع فقهی استخراج نموده‌اند.

مشروعیت جراحی زیبایی به ادله زیر مستند شده است:

۲-۱-۲-۱. اطلاق آیات قرآن: قائلین به مشروعیت جراحی زیبایی به اطلاق آیات ۳۱-۳۲ سوره اعراف در باب اباحه افعال و اعمالی که به زیبایی و زینت انسان می‌انجامد، تمسک نموده‌اند. آنچه در این استناد قابل توجه می‌باشد، این است که اولاً تمسک به اطلاق، به مفهوم استناد و عمل به ظهور اطلاقی لفظ است تا زمانی که دلیل قطعی بر تقیید آن نیامده باشد و علاوه بر این باید بررسی نمود که اطلاق مورد نظر نسبت به

نظر از تمکن مالی و تفاوت طبقاتی و فرهنگی به آن مبادرت نموده یا حداقل تمایل نشان می‌دهند.

در تمسک به دلیل و منفعت عقلایی برای اثبات مشروعیت جراحی زیبایی، عمده‌ترین دلیل و پشتوانه آن، بنای عملی مردم در زندگی فردی و اجتماعی است که به مرور زمان و تحت تأثیر مقتضیات زمانی و مکانی با دلائل دیگری همچون کسب شهرت، بهبود وجهه اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس، امید به زندگی و حفظ و تحکیم خانواده درآمیخته است. از آنجایی که جراحی زیبایی و تقاضا و تمایل به آن مختص به اقشار ممتاز جامعه نیست و در میان اقشار متوسط و پایین جامعه نیز فراگیر شده است، بیانگر اهمیت اجتماعی زیبایی و تمایل جهت کسب موقعیت بالاتر بوده، می‌توان گفت که از مرتکبات عرفی تلقی شده، لذا با کشف مرتکبات عرفی مردم، دلیل عقلایی آن نیز اثبات می‌گردد.

۲-۱-۲-۵. قاعده سلطنت: قاعده سلطنت یکی از قواعد مشهور فقهی است که از حدیث نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم» (۲۵) استفاده شده است. سند این حدیث به صورت مرسله در کتاب عوالی اللئالی آمده و در هیچ یک از کتب اربعه ذکر نشده است، اما شهرت عملی آن، جبران ضعف سندی حدیث می‌باشد. مفاد قاعده سلطنت، مرکب از دو جزء ایجابی و سلبی با این تقریر است: هر مالکی بر انواع تصرف‌ها در اموال خویش مسلط است و هیچ شخص یا نهادی نمی‌تواند سلطنت وی را بر اموالش محدود سازد (۲۶).

با فرض اینکه شهرت عملی این حدیث، جبران‌کننده ضعف سندی آن باشد و همچنین عدم ذکر قید «علی انفسهم» در نصوص وارده (۲۷)، را با قرائن و شواهدی (دلالت اولویت و مفهوم موافق) که قائل به تعمیم اموال به انفس باشد، اثبات کنیم، آیا از قاعده سلطنت می‌توان تسلط انسان بر نفس خویش را استنباط نمود؟ به نحوی که بتواند با این تسلط، اقدام به اعمال و جراحی‌هایی نماید که نه برای درمان که برای زیبایی باشد؟

مصادیق نو و جدید نیز شمول دارد و یا محصور در مصادیق و مواردی است که در عصر صدور و لزوم بوده است.

۲-۱-۲. روایات: از منظر روایات، خداوند زیبایی و آراستگی را دوست داشته و فارغ از جنسیت، به مسلمانان سفارش شده است که خود را زینت نموده و آراسته باشند (۱۷)، همانطور که در شرح آراستگی پیامبر (ص)، آمده است که ایشان برای اصحاب، خویشان را می‌آراست (۱۴) و نیز به اصحاب خویش سفارش می‌فرمودند: خضاب کنید که بر جوانی و زیبایی شما می‌افزاید (۱۷).

همچنین در روایتی از امام باقر (ع) که در پاسخ به این سؤال که آیا مویی که زنان درست کرده و روی سر می‌گذارند چه حکمی دارد؛ می‌فرماید اشکالی ندارد و سپس در ادامه ضمن تبیین مفهوم اصلی واصله و موصله (فردی که در جوانی مرتکب زنا شده و در میان سالی واسطه میان زنان و مردان شود)؛ استفاده از موی مصنوعی و مانند آن را (که در برخی روایات از جمله روایت علی بن غراب، به معنای وصل‌کننده موی سر و از مصادیق تزئین بیان شده و مستند عدم مشروعیت قرار گرفته بود)، فاقد اشکال بیان نموده‌اند (۱۴). از بررسی و مذاقه در روایات مذکور حلیت زیباسازی و استحباب تجمیل برداشت می‌گردد.

۲-۱-۲-۳. اصل اباحه: قائلین به مشروعیت جراحی زیبایی با استناد به اصل اباحه که مقابل اصالت حظر و به معنای حکم اولی عقل به جواز تصرف در اشیا با قطع نظر از وجود شرع و حکم شارع نسبت به آن‌ها می‌باشد (۲۴)؛ اقدام به اعمال و جراحی زیبایی را به مقتضای قاعده اولیه در نبود دلیل بر حرمت، مباح دانسته و حکم به جواز آن می‌دهند.

۲-۱-۲-۴. عرف و دلیل عقلایی: درک و دریافت از مفهوم زیبایی همواره در حال تغییر و دگرگونی است. امروزه با برداشت‌های جدید و جنبه‌هایی از مفهوم زیبایی رو به رو هستیم که برخلاف زیبایی طبیعی، قابل کسب‌کردن، پروراندن و خلق‌کردن است. این تغییر در تلقی زیبایی که با دستاوردهای نوین پزشکی و جراحی همسو شده است، فقط اختصاص به جامعه ایرانی نداشته و تقریباً تمام جوامع، صرف

مگر در موارد وجود مانع قانونی و شرعی انجام دهد. به نظر می‌رسد «نظریه سلطنت بر اعضای بدن بنا به دلایل فقهی چون کتاب، سنت و بنای عقلا به صلاح نزدیک‌تر است، زیرا که گستره اختیارات نامحدود انسان محصور در حدود الهی شده و انسان سلطنت مقیدی نسبت به اعضای بدن خویش می‌یابد، بدین‌ترتیب انسان در مواردی که شرع اجازه داده قادر به تصرف در اعضای بدن خویش است و ممنوعیت تصرف نیز شامل مواردی چون در معرض هلاکت قراردادن خود، ایراد جراحات شدید و مواردی که عقلاً ضرورتی بر انجام آن‌ها مترتب نیست، می‌شود (۲۸).

قائلین به مشروعیت جراحی زیبایی پس از ترسیم صور مختلف نحوه ارتباط انسان با اعضای بدن، نظریه مختار خود را مبنی بر مالکیت اعتباری و مشروط انسان (سلطه و تصرف)، مطرح نموده‌اند. بر اساس این نظریه، دو معیار برای مشروعیت جراحی زیبایی ارائه شده است: اول اینکه عمل انجام‌شده دارای کارکرد عقلایی باشد؛ معیار دوم این است که اقدامات انجام شده واجد زیان و ضرر نباشد.

به نظر می‌رسد با رویکرد مالکیت اعتباری و پذیرش نظریه سلطه و تصرف انسان به صورت مشروط، امکان پاسخگویی به اقتضات نوین پزشکی در حوزه حقوق، میسر خواهد شد.

۲-۲. جراحی زیبایی از منظر حقوقی: در هریک از نظام‌های حقوقی جهان، به اعتبار دیدگاه‌های کلی نسبت به جهان و انسان، هدف و مبنایی برای حقوق در نظر گرفته شده است. تحقق عدالت، آزادی، تأمین مصالح و نظم اجتماعی از جمله اهداف و کارکرد حقوق می‌باشد که می‌بایست همگام با ضرورت‌ها و مقتضیات زمانی روزآمد شود. یکی از موضوعاتی که در بستر تحولات و مقتضیات زمانی و مکانی پیشرفت نموده است، جراحی زیبایی است. با ارتقای دانش پزشکی در تمام جنبه‌های انسانی، توجه به اختلال روانی ناشی از نقص ظاهری یا عدم رضایت از وضعیت چهره یا بدن منجر به تغییر و تحول در مفهوم «سلامت» (سازمان بهداشت جهانی در تعریف سلامت و استاندارد سلامتی می‌گوید: سلامت، حالت رفاه و آسایش کامل روانی، جسمی و اجتماعی است و نه تنها

قائلین به مشروعیت جراحی زیبایی ابتدا به ترسیم صور مختلف ارتباط انسان با اعضای بدن خود در قالب سه نظریه پرداخته‌اند:

۱-۲-۵-۱. رابطه مالکیت: در این نظریه انسان مالک اعضای خود محسوب می‌شود. از آنجایی که این مالکیت، اگرچه ذاتی است و تحقق آن به سببی خارجی یا اعتباری که از سوی شخص یا گروهی اعتبار شود، نیاز ندارد، اما بی‌حد و مرز نبوده و تصرف در آن منوط به رعایت شرایط و معیارهایی همچون حفظ کرامت و حرمت اضرار به نفس می‌باشد، لذا این نظریه نمی‌تواند مورد پذیرش باشد. از این رو برخی از فقیهان، مالکیت انسان بر نفسش را معتبر نمی‌دانند که البته اعتقاد به عدم مالکیت انسان به اعضای بدن به منزله اعتقاد به عدم جواز تصرف عقلایی نمی‌باشد، یعنی عدم مالکیت انسان نسبت به اعضای بدن با عدم جواز تصرف عقلایی، ملازمه‌ای ندارد.

۲-۵-۲-۱-۲. رابطه امانی: در این نظریه، مالکیت ذاتی حقیقی از آن خداست و اعضای بدن انسان امانتی الهی بوده که در نزد وی به ودیعه گذاشته شده است. در مقام نقد این نظریه با استناد به آیه ۶ سوره احزاب که می‌فرماید: پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است؛ به صورت ضمنی دلالت بر ولایت انسان بر خودش دارد. همچنین آیه ۲۹ مائده نیز بحث مالکیت انسان بر نفسش را مطرح می‌نماید. بنابراین پذیرش این رابطه، در تعارض با شرع و مغایر با اراده و اختیار انسان است، زیرا انسان مجاز به تصرف در اعضای بدن در حدود شرعی آن می‌باشد، در حالی که حق تصرف امین، محدود به میزان حفاظت می‌باشد. علاوه بر این، پذیرش این نظریه، مباحثی همچون اهدای اعضای بدن و حکم به جواز خرید و فروش اعضای بدن توسط مراجع تقلید را با چالش جدی مواجه خواهد نمود.

۲-۵-۲-۱-۲. رابطه از نوع سلطه و تصرف: امام خمینی در کتاب البیع، ضمن تشریح تفاوت «حق»، «ملک» و «سلطنت» تصریح نموده است که انسان بر نفس خود تسلط دارد (۱۰) و آن را یک امر عقلایی نظیر سلطه انسان نسبت به اموال خود می‌داند که به موجب آن می‌تواند هرگونه تصرفی را

فقدان بیماری یا نقض عضو)» شد، لذا جراحی زیبایی که تا پیش از این «درمان» تلقی نمی‌گشت (۲۹)؛ با هدف حفظ تعادل روحی و بهبود روانی فرد، نوعی درمان قلمداد گردید. این تغییر که همسو با مقتضیات زمانی و مکانی صورت گرفت؛ تردیدهای حاصل از مشروعیت جراحی زیبایی را تا حدودی مرتفع نموده و جنبه مشروعیت آن را تقویت نمود.

با توجه به رواج و کارکردهای جراحی زیبایی و ارتباط عمیق آن با مسائل اجتماعی، روان‌شناسی و فرهنگی، مقنن و حقوقدانان می‌بایست ضوابط و چهارچوب‌های مشخصی را پیش‌بینی و مدون نمایند تا اولاً منجر به سوءاستفاده و نقض قواعد و تعهدات مدنی و حقوقی و ازهم‌گسیختگی جامعه نگردد؛ ثانیاً فرد متقاضی عمل زیبایی را در معرض آسیب‌های روانی بیشتر و اقدامات عملی مختلف، از جمله انتقام جویی قرار ندهد. اولین گام در جهت پاسخ به اقتضات نوین پزشکی و امکان‌سنجی مشروعیت جراحی زیبایی، تبیین نحوه ارتباط انسان با اعضای بدن خویش برای مشخص‌نمودن حدود تصرفات است.

اگرچه در حقوق ایران رابطه بین انسان و اعضای بدن، امری مسلم و بدیهی انگاشته شده است و «قانونگذار ایرانی ضمن حمایت از چنین سلطه و استیلائی، برای افراد ایجاد تکلیف می‌کند که تا این حق را محترم شمرده و از تعرض به آن دوری نمایند و هرگونه ایراد صدمه، ضرب و جرح و تعرض جسمی به انسان را ممنوع نموده و موجب مسئولیت مدنی و کیفری دانسته است» (۳۰)، اما مستقیماً به تبیین نوع رابطه انسان با اعضای بدن خود نپرداخته است. بنابراین در قوانین موضوعه ایران، ماده قانونی صریحی در این مورد وجود ندارد و از آنجایی که طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، در صورتی که در مورد مسأله‌ای حکمی وجود نداشته باشد، باید به منابع معتبر و اصول حقوقی که مغایر با شرع نباشد مراجعه نمود، لذا از تطبیق نظرات فقیهان امامیه و آرای حقوقدانان، انواع روابط انسان با اعضای بدن، به دست آمد که عبارت است از: مالکیت تکوینی، مالکیت ذاتی، مالکیت اعتباری و مالکیت منفعت.

برخی از حقوقدانان، مالکیت انسان بر اعضای بدن خود را از بارزترین مصادیق مالکیت ذاتی دانسته‌اند. ایشان با استناد بر بنای عقلا و عدم منع از سوی شارع، قائل به مالکیت ذاتی انسان بر اعضای بدن خویش می‌باشند (۳۱) و حکم به وجوب دیه را دلیلی بر مالکیت ذاتی انسان بر اعضای خود دانسته‌اند. در نقد این نظریه و استناد به وجوب دیه، توجه به ماهیت دوگانه دیه (که علاوه بر جبران خسارت ناشی از تفویت منفعت، کیفر مجازات نیز هست)، می‌تواند راهگشا باشد.

اظهار نظر اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۵۷ به تاریخ ۱۳۷۶/۰۶/۲۵ مبنی بر «با توجه به ملاک ماده ۲۸۷ ق.م.ا عضو قطع‌شده متعلق به همان کسی است که از او قطع شده و می‌توان آن را به خود او یا دیگری پیوند زد»، مبین پذیرش نوعی رابطه مالکیت بین انسان و اعضای بدن توسط این نهاد می‌باشد، اما این مالکیت و تصرف، بی‌حد و مرز نبوده و انسان در انجام هر نوع تصرفی در اعضای بدن خویش، آزادی عمل ندارد، مثلاً نمی‌تواند ضرر شدیدی به بدن خویش وارد کرده و یا حق حیات را از خود سلب نماید. مؤید این محدودیت در تصرف، ماده ۸۳۶ ق.م.ا است که وصیت را که یکی از حقوق مسلم فرد است را در صورت اقدام به خودکشی باطل اعلام نموده است. بنابراین طبق قوانین موجود و مطلق نبودن روابط مالکانه، به نظر می‌رسد رابطه سلطه و تصرف انسان در محدوده عقل و شرع با ملاک‌هایی که قانون برای تصرفات انسان بر مایملک خود ارائه کرده است، سازگاری بیشتری دارد.

۲-۱- جایگاه مشروعیت جراحی زیبایی در قوانین موضوعه: در قوانین بسیاری از کشورهای جهان، همچون بلژیک، آمریکا، فرانسه، آلمان و برخی از کشورهای اسلامی، به صورت صریح یا ضمنی، جراحی‌های زیبایی را به طور کلی پذیرفته‌اند، اما در عمل مقید به شروطی گردیده و ضوابط و معیارهایی برای صحت انجام آن در نظر گرفته شده است (۳۲). حقوق ایران نیز اگرچه صراحتاً به جراحی زیبایی نپرداخته است، اما در بند «ج» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آمده است: «هر نوع عمل جراحی یا

طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست.» در این بند که بیانگر عنایت ویژه قانونگذار به ضرورت «شرعی» به عنوان یک معیار حقوقی است؛ صراحتاً بر مشروعیت جراحی تأکید شده است که با توجه به حکم کلی اباحه اقدامات زیبایی، جواز جراحی‌های زیبایی برداشت می‌گردد. مفهوم مخالف این بند از قانون، حاکی از استحقاق کیفر در موارد ارتکاب اعمال جراحی مخالف با شرع است.

ضوابط تجویز این اعمال و محدوده صحت انجام اعمال زیبایی که از متن قانون که البته به صورت ضابطه عام مطرح شده، برداشت می‌گردد، عبارت است از:

۲-۱-۲-۱. مشروع بودن: با توجه به آرای فقیهان امامیه و تحلیل و بررسی که صورت گرفت، اکثریت فقیهان امامیه با استناد به اباحه اقدامات زیبایی مستفاد از آیات و روایات، انجام جراحی زیبایی را مجاز دانسته، اما با لحاظ شرایط و معیارهایی که بیان گردید. از آنجایی که قانون حدود و ثغور مشروعیت را مشخص نکرده است؛ در مورد مشروعیت میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود داشته و تحلیل‌های متفاوتی ارائه شده است. برخی از حقوقدانان اعتقاد دارند که پزشک می‌بایست با توجه به عرف و مقررات شرعی حسب مقتضیات، وضع بیمار و سایر اوضاع و احوال مبادرت به تشخیص مشروعیت عمل خود نماید و برخی دیگر چنین استدلال نموده‌اند که «بدیهی است که از پزشک نمی‌توان توقع داشت که آگاه به همه مقررات شرعی باشد، لذا کلمه مشروع را باید در مفهوم قانونی آن به کار گرفت» (۳۳). بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که برای تشخیص مشروعیت جراحی زیبایی، یک ضابطه صحیح تدوین شده و برای تمیز این ضابطه، مرجع مشخصی در نظر گرفته شود.

در بحث از مرجع تشخیص شرعی بودن اعمال جراحی، مطابق با اصل ۹۶ قانون اساسی، «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آن‌ها با قانون اساسی بر عهده

اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است» می‌توان در «مواردی که تردیدی نسبت به مشروعیت و یا عدم مشروعیت یکی از اعمال جراحی پلاستیک داریم، تشخیص موضوع را به فقهای این شورا محول نماییم که در عمل نیز موجب ایجاد رویه‌ای واحد خواهد شد» (۳۴)، اگرچه منطقی به نظر می‌رسد که مرجع تشخیص این ضابطه علاوه بر فقها، هیأتی متشکل از یک پزشک متخصص جراح زیبایی، یک روان‌شناس، یک حقوقدان تا از این طریق علاوه بر پیشگیری از اقدامات جراحی غیر شرعی، از ورود ضرر و زیان به متقاضی جراحی زیبایی و تشکیل پرونده‌های شکایت از پزشک و صرف هزینه و انرژی جلوگیری شود.

۲-۱-۲-۲. رضایت: رضایت، اذن یا اجازه‌ای است که توسط بیمار انجام شده و منجر به صدور جواز اقدام پزشک در حدود معین شده می‌شود. «در واقع هر انسان بالغ و واجد اهلیتی باید نسبت به هرگونه روش درمانی که برای او از قبل در نظر گرفته شده، آگاهی داشته و راضی باشد و بدیهی است که بدون کسب رضایت او چنین عملی ضرب و جرح و جرم محسوب می‌شود» (۳۴). مفاد رضایت‌نامه متضمن توافق میان پزشک و بیمار بوده و قلمرو یا ماهیت مسئولیت پزشک را مشخص می‌کند. در این رضایت‌نامه می‌بایست خطرات، عوارض و مسائل مرتبط با درمان به اطلاع بیمار یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی برسد. بنابراین در صورتی کامل و صحیح است که به صورت آگاهانه اخذ گردیده باشد. گرفتن رضایت‌نامه قبل از شروع درمان و اعمال جراحی، به معنای رفع مسئولیت پزشک نبوده، بلکه به اقدامات و اعمال پزشک و جراح، مشروعیت می‌بخشد. رضایت آگاهانه، در اصل مشتمل بر دو عنصر اذن و برائت در قانون مجازات اسلامی (ماده ۴۹۵) است. برائت به معنای علم و آگاهی بیمار یا ولی، سرپرست یا نماینده قانونی وی نسبت به عواقب جراحی و خطرات احتمالی آن، که فایده و ثمره اخذ برائت‌نامه در اثبات تقصیر نمایان می‌شود.

مطابق ماده ۴۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، در مواقع ضروری و اوژانسی که امکان اخذ برائت و رضایت‌نامه

از بیمار و ولی عام و خاص وجود ندارد، در صورتی که پزشک طبق مقررات و اصول و موازین پزشکی اقدام کند، ضامن تلف یا صدمات وارده نیست، لذا برای سقوط ضمان پزشک لازم است مشکل بیمار از موارد ضروری باشد که تحصیل براءتنامه ممکن نیست. در غیر این صورت، پزشک به صرف داشتن قصد احسان بری الذمه نخواهد شد.

۲-۱-۳. رعایت موازین فنی و علمی: موازین فنی و علمی به اعمالی اطلاق می‌شود که پزشک از لحظه پذیرش بیمار تا پایان معالجه باید انجام دهد و در صورت تخلف از این اصول و مقررات، بحث مسئولیت پزشک و قصور و تقصیر پزشکی مطرح می‌شود. در واقع این معیار مبین دو شرط تخصص و تجربه است که در مبانی فقهی نیز مورد تأکید قرار گرفته است، به نحوی که فقیهان در مورد ضمان پزشک غیر حاذق ادعای اجماع نموده‌اند (۳۵). بدیهی است که در جراحی زیبایی که فاقد قید فوریت و اضطرار می‌باشد، رعایت حداکثری این شرط، یعنی تخصص و تجربه کافی جراح زیبایی بسیار حائز اهمیت است.

همچنین شامل استفاده از تجهیزات مناسب و استاندارد، کادر درمانی با تجربه و حفظ کیفیت تمام مراحل جراحی است. بدیهی است در صورت نقض این شرایط و ورود ضرر، زیان دیده می‌تواند از باب مسئولیت مدنی، پزشک را مورد پیگرد قرار دهد و بار اثبات عدم تقصیر به دلایل منطقی دیگر، بر عهده پزشک می‌باشد.

بنابراین مطابق با ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی، پزشک در دو حالت ضامن نیست: نخست در جایی که عمل وی بر اساس مقررات و موازین پزشکی و اصول فنی رشته خود باشد؛ دوم در زمانی که قبل از معالجه، براءتنامه گرفته و مرتکب قصور و تقصیر هم نشده باشد. با وجود اخذ براءت، پزشک در قبال حوادث ناشی از معالجه مانند فوت و صدمه بدنی ضامن نبوده و قابل مجازات نیست، مگر آنکه مدعی یا شاکی بتواند تقصیر یا قصور او را اثبات کند.

۲-۱-۴. رعایت نظامات دولتی: در متن قانون تعریفی از نظامات دولتی مشاهده نمی‌گردد، اما «نظامات در یک معنا

شامل تمامی مقررات و مصوباتی که از مفهوم قانون به معنای خاص (قانون عادی) خارجند، می‌گردد. در مورد پزشکان، این نظامات شامل آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌های سازمان نظام پزشکی، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مراکز علمی و درمانی است. بنابراین هرگاه صاحبان مشاغل پزشکی برخلاف نظام خاص پزشکی و دستورالعمل‌های مراکز علمی و درمانی عمل نمایند و باعث زیان مادی یا عوارض روانی یا جسمانی بیماران گردند، مرتکب خطا شده‌اند» (۲). تشخیص عدم رعایت نظامات دولتی با عرف نمی‌باشد، بلکه زمانی که دادگاه این امر را تشخیص دهد، مرتکب را خطاکار و مقصر شناخته و طبق مقررات مجازات خواهد کرد (۳۶).

نتیجه‌گیری

۱- نیازهای مادی و معنوی انسان به فراخور مقتضیات زمان و پیشرفت دانش و تکنولوژی، دائماً در حال تغییر و تحول می‌باشد. دستاورد این تغییرات که با هدف بهبود و ارتقای سطح زندگی می‌باشد، پیشرفت دانش و تکنولوژی‌های نوین در تمام حوزه‌ها مخصوصاً حوزه پزشکی است. جراحی زیبایی به دلیل ویژگی‌های انتخابی بودن، فقدان فوریت و اضطرار، اهداف نه صرفاً درمانی و ارتباط با جنبه‌های روان‌شناسی به یکی از مباحث چالشی تبدیل شده است. تمسک به عنصر پویای اجتهاد اسلام از یکسو و ضرورت تطبیق نیازهای مادی و معنوی انسان عصر جدید با مقتضیات زمانی و مکانی از سویی دیگر، امکان ارتباط و پیوند دو گزاره ثبات و نامتغیر بودن دین و تغیر و سیلان زندگی بشر، را فراهم نموده است.

۲- تبیین ماهیت ارتباط انسان با اعضای بدن خویش و تعیین نوع این رابطه و قلمرو آن از طریق بررسی در متون فقهی و حقوقی، امکان پاسخگویی به اقتضانات نوین پزشکی و مسائل مستحدثه را میسر خواهد نمود.

۳- با بررسی ادله فقهی و مبانی حقوقی، نظریه مختار این تحقیق، مالکیت اعتباری و پذیرش نظریه سلطه و تصرف انسان به صورت مشروط می‌باشد. بر اساس این نظریه، دو معیار برای مشروعیت جراحی زیبایی ارائه شده است: اول

اینکه عمل انجام‌شده دارای کارکرد عقلایی باشد؛ معیار دوم این است که اقدامات انجام‌شده واجد زیان و ضرر نباشد. در قوانین بسیاری از کشورهای جهان به صورت صریح یا ضمنی، جراحی‌های زیبایی را به طور کلی پذیرفته‌اند، اما در عمل مقید به شروطی گردیده و ضوابط و معیارهایی برای صحت انجام آن در نظر گرفته شده است. در حقوق ایران نیز اگرچه صراحتاً به جراحی زیبایی نپرداخته است، اما بند «ج» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بیانگر عنایت ویژه قانونگذار به ضرورت «شرعی» به عنوان یک معیار حقوقی است. رضایت آگاهانه، رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی از دیگر معیارهای مشروعیت جراحی زیبایی تلقی گردیده است.

مشارکت نویسندگان

ندا پورجم: نگارش مقاله، گردآوری منابع و ویرایش نهایی مقاله. سیدمحمدرضا آیتی: ارائه ایده و نظارت بر نگارش. اصغر عربیان: نظارت بر نگارش. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. Olsen M. Cosmetic Surgery. Translated by Farhang SH. 1st ed. Tehran: Key Education Publications; 2018. p.8. [Persian]
2. Ragheb Esfahani H. Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an. 2nd ed. Beirut: Al-Kitab Publishing; 1404. Vol.1 p.450. [Arabic]
3. Jafari Langroudi M. Legal terminology. 6th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2002. p.678. [Persian]
4. Ibn Manzoor MBM. Lisan al-Arab. 4th ed. Beirut: Dar Beirut; 1955. Vol.10 p.492. [Arabic]
5. Tabatabai Yazdi SMK. Hashiat al-Makaseb. 2nd ed. Qom: Ismailian Institute; 2000. Vol.1 p.53. [Arabic]
6. Safai H, Ashuri M, Iraqi A. Great contemporary legal systems. 1st ed. Tehran: Academic Publishing Center; 1999. p.344. [Persian]
7. Mohaghegh Damad SM. Jurisprudence rules. 1st ed. Tehran: Academic Science Publishing Center; 2004. p.128. [Persian]
8. Zabeidi M. Taj al-Arus min Jawaher al-Qamus. 3rd ed. Beirut: Dar al-Hudayeh; 1980. p.295. [Arabic]
9. Mostafavi M. Ma'e al-faqhiyyah meaning and madraka and mohrada. 11th ed. Qom: Office of Islamic Publications Affiliated with Qom Seminary Teachers Society; 1996. Vol.1 p.136. [Arabic]
10. Mousavi Khomeini R. Kitab al-Bai. 1st ed. Tehran: Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute; 2000. Vol.1 p.23. [Arabic]
11. Tabatabai M. Tafsir al-Mizan. 5th ed. Qom: Islamic Publications; 1955. Vol.5 p.96. [Arabic]
12. Makarem Shirazi N. Al-Nekah. 1st ed. Qom: School of Imam Ali bin Abi Talib (AS); 2003. Vol.2 p.133. [Arabic]
13. Sabzevari A. Mavaheb al-Rahman fi Tafasir al-Quran. 9th ed. Qom: Ayeollah Sabzevari Publications; 1998. Vol.9 p.289. [Arabic]
14. Hor Ameli M. Wasa'il al-Shia. 1t ed. Qom: Al al-Bayt Institute; 1988. Vol.17 p.133. [Arabic]
15. Tawhidi M. Misbah al-Faqahah (Recitations of Ayatollah Khoei's jurisprudence course). 6th ed. Qom: Ansarian Institute; 1996. Vol.1 p.204. [Arabic]
16. Tabatabaei Qomi T. Omdat al-Mataleb fi al-Taliq ala al-Makaseb. 6th ed. Qom: Mahallati Publications; 1992. Vol.1 p.157. [Arabic]
17. Kulayni M. Gozideh-ye Kafi. Translated by Behboodi MB. 1st ed. Tehran: Timurzadeh Publications; 1944. Vol.5 p.118. [Arabic]
18. Khamenei SA. Ajvaba al-Estefta'at. 15th ed. Tehran: Hoda Publications; 1968. [Arabic]
19. Safi Golpayegani L. Medical inquiries. 1st ed. Tehran: Safi Golpayegani Publications; 2016. p.45-85. [Persian]
20. Sabzevari A. Mahzab al-Ahkam. 4th ed. Qom: Dar al-Tafseer; 1992. Vol.25 p.143. [Arabic]
21. Meshkini Ardabili A. Mostalahat ol-Fiqh. 3rd ed. Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute; 2013. p.133. [Arabic]
22. Golpaigani M. Ershad al-Saqil. 2nd ed. Beirut: Dar al-Safwa; 1992. p.268. [Arabic]
23. Montazeri H. Medical orders. 3rd ed. Tehran: Sayeh Publishing; 2006. p.138. [Persian]
24. Naini MH. Fava'id ol-Osul. 1st ed. Qom: Islamic Publishing Institute; 1956. Vol.3 p.328. [Arabic]
25. Ehsai M. Awali al-Leali al-Azizia. 1st ed. Qom: Darsyd al-Shahda Publishing House; 1985. Vol.1 p.222. [Arabic]
26. Alidoost A, Ebrahimirad M. Study of the Rule of Control and Its Scope. Journal of Islamic Law. 2010; 7(24): 7-31. [Persian]
27. Makarem Shirazi N. Al-Qava'id ol-Fiqhiyyah. 3rd ed. Qom: Imam Ali Bin Abitalib School; 1990. Vol.2 p.36. [Arabic]
28. Mousavi Bojnordi M, Kazemi Afshar H. Transaction of Body Organs in Iranian Law With Special Approach to Imam Khomeini's Jurisprudential Viewpoints. Research Journal of Matin (Imam Khomeini and the Islamic Revolution). 2008; 10(38): 37-59. [Persian]
29. Katouzian N. Oobligations outside the contract. 8th ed. Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University; 2017. p.436. [Persian]
30. Safai H. Persons and prisoners. 6th ed. Tehran: Mizan Publications; 2013. p.35. [Persian]
31. Shahidi M. Formation of contracts and obligations. 9th ed. Tehran: Lawgadan Publishing House; 1998. p.95. [Persian]
32. Kalthornia Golkar M, Sadat Akhavi SM, Joor Ebrahimian N, Abbasi M. Jurisprudential-legal study on permission basics and scope of performing aesthetic and reconstructive surgeries. MLJ. 2012; 6(21): 79-119. [Persian]

33. Noorba R. The field of general criminal law. 17th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Library; 2010. p.291. [Persian]
34. Abbasi M. Medical responsibility (medical law course). 2nd ed. Tehran: Legal Publications; 2019. p.223. [Persian]
35. Najafi M. Jawahar al-Kalam fi Sharh Sharaye al-Islam. 7th ed. Tehran: Computer Research Center of Islamic Sciences; 2009. Vol.43 p.44. [Arabic]
36. Shambiati H. General criminal law. 10th ed. Tehran: Majd Publications; 1992. Vol.1 p.379. [Persian]